

یادداشت فعال اقتصادی و فرهنگی؛ علی خسروی هنرمندی بی بدیل بود



محسن جلال پور

از وقتی خبر درگذشت هنرمند گرانمایه علی خسروی را شنیدیم به شدت متأثر و متالم شده‌ام؛ به طوری که از فکر او بیرون نمی‌روم. ایشان هنرمندی بسیار توانمند، ارزشمند، با طبعی نازک و پراحساس بود. او در حوزه گرافیک از شاگردان ممتاز مرتضی ممیز بود. در باره او بیشتر در صفحه‌ی شخصی‌ام در اینستاگرام نوشته‌ام.

در اولین دیداری که با او داشتم متوجه شدم چهره‌ی چهارصد هنرمند و فعال فرهنگی فهیم و با افتخار را در یک مجموعه‌ی بسیار زیبا طراحی کرده است. پیشنهاد کردم مشابه همین کار را در ادامه‌ی انتشار «مجموعه‌ی رواق زبرد» به معرفی چهره‌های ماندگار کرمانی، اعم از هنرمندان، اهل فرهنگ و علم و کارآفرینی را که در صد سال اخیر صاحب جایگاه بوده‌اند، انجام دهند؛ ایشان از این پیشنهاد که گویا جزو علایق و آرزوهایشان نیز بوده، به گرمی استقبال کردند. نهایتاً به اتفاق تصمیم گرفتیم یک جلد از «رواق زبرد» را به طراحی چهره‌ی بیش از صد هنرمند و فعال فرهنگی از کرمان اختصاص دهیم، که این کتاب را با عنوان «نقشی به یاد نگویان اهل کرم» در سال ۱۴۰۳ به همراه سه کتاب دیگر از مجموعه رواق زبرد در کرمان رونمایی کردیم؛ و با استقبال خوبی مواجه شد. در کنار این رونمایی، یک نمایشگاه از این آثار هم در کرمان برگزار شد.

همکاری ما با این هنرمند اما به همین جا ختم نشد؛ قرار شد ایشان چهره‌ی جمعی دیگر از بزرگان خطه‌ی کرمان را به عنوان جلد دوم این مجموعه طراحی کند، که این کار هم در سال گذشته توسط ایشان به اتمام رسید و قرار شد جلد سومی هم داشته باشیم، ولی افسوس که اجل مهلت نداد. حتی جلد دوم که چاپ شد، در نظر داشتیم سال گذشته رونمایی آن را انجام دهیم اما ایشان اعلام کردند منتظر یک فرصت مناسب‌اند و مایل‌اند در مراسم رونمایی دو هنرمند ارزشمند ابراهیم حقیقی و بیژن بیژنی که از دوستان نزدیک او هستند هم حضور داشته باشند. در هر حال این مراسم به دلیل وقایع ناگوار سال گذشته به تعویق افتاد، که امیدوارم به زودی این رونمایی را به همراه یادبودی از ایشان برگزار کنیم. در مورد جلد سوم هم امیدوار هستم با کمک خانواده‌اش به آثاری که برای این جلد در نظر گرفته‌اند دسترسی پیدا کنیم و آن را هم چاپ و منتشر کنیم.

باری؛ سال گذشته تماس‌های کاری و دوستانه‌ی ما همچنان برقرار بود تا این که ابتدای امسال از طریق آقای عبدالرشیدی با خبر شدم که متأسفانه دچار بیماری شده‌اند. وقتی به بیمارستان مراجعه کردند، پیگیر کار ایشان بودم. آخرین تماسم با ایشان، دو روز پیش از درگذشت او بود؛ که با این که در بستر بودند اظهار تمایل کرده بود که صحبت کند؛ و گفت که بهتر است؛ دروغا اما این آخرین صحبت و احوال‌پرسی ما بود!

زنده‌یاد خسروی از نظر من، در زمینه‌ی هنری بی‌بدیل و بی‌نظیر بود. بسیار فعال و کوشا بود و علاقه‌ی زیادی به کشور و به ویژه زادگاهش کرمان داشت. او در زنده کردن نام کسانی که برای کشور و استان کرمان کار کرده‌اند، تلاش زیادی انجام داد. با تمام وجود طراحی چهره‌ها را انجام می‌داد؛ وقتی اسمی را به او می‌دادیم با شوق از او یاد می‌کرد؛ اگر زنده بود با افتخار، و اگر از درگذشتگان بود، با حسرت و اندوه از او ستایش می‌کرد. این را هم اضافه کنم؛ این اواخر تصمیم گرفته بودیم برای رواق زبرد یک نشان ویژه داشته باشیم که با تلاش ایشان طرح این نشان آماده شد، و اتفاقاً اولین نشان را نیز به نام او در نظر گرفته بودیم که در مراسم رونمایی کتاب‌های امسال رواق زبرد به عنوان چهره‌ی هنرمند و پر افتخار کرمانی با اهدای این نشان از او تجلیل کنیم. افسوس که زود هنگام به سفر ابدی رفتند و همه‌ی ما را داغدار خود کردند. بنابراین در رونمایی امسال که مراسم یادبود ایشان را برگزار می‌کنیم، این نشان را به خانواده‌اش تقدیم خواهیم کرد. کلام آخر؛ این که کشور و استان یک هنرمند بسیار ارزشمند، فرهیخته، بی‌منت، بسیار حساس و با طبع لطیف و بسیار دوست‌داشتنی را از دست داد. او زندگی بسیار ساده‌ای داشت، در انزوا زندگی کرد، و هیچ لحظه‌ای از عمرش را تلف نکرد تا مدام به تولید آثار هنری مشغول باشد. طرح‌های زیاد و ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته که هنوز جامعه مخاطب او، بسیاری از آن‌ها را ندیده است. همه‌ی این ویژگی‌ها بود که او را یگانه کرده است و ما را و می‌دارد که به احترام او کلاه از سر بر داریم و در آینده بیش از پیش قدران او باشیم.

علی خسروی با اشک و آه اهالی هنر بدرقه شد؛

وداع با هنرمندی که در قلب‌ها ماندگار شد!

با پنهان‌کاری احساس نمی‌شد او مانند «نسیم پاک کوهستان» حضوری صمیمی و بی‌واسطه داشت. این خصلت در تمام سال‌های آشنایی ما ثابت بود و در کنار توانایی‌های هنری، وجهی متمایز به شخصیت خسروی می‌بخشید.

فروزان با بیان اینکه خسروی با وجود توانایی‌های بالا، از بسیاری موقعیت‌ها و اعتبارات چشم‌پوشی کرده بود، افزود: در گفت‌وگوهایی که درباره‌ی پروژه‌ها و فعالیت‌هایش داشتیم، هرگز نشانی از حسابگری در او ندیدیم.

او در ادامه با اشاره به فعالیت‌های خسروی در مجموعه‌ی «سروش» گفت: دوران طلایی این مجموعه حاصل تلاش جمعی هنرمندان بود و خسروی نیز در آن مسیر رشد کرد. طی سال‌ها شاهد شکل‌گیری و جسارت یافتن قلم خسروی بودم و این جسارت را برخاسته از صداقت درونی او می‌دانم.

خسروی در برخی آثار

پیش‌نگر زمانه بود

در ادامه، بیژن بیژنی یادداشتی از امیروهوشنگ مهر اردلان که به دلیل بیماری در این مراسم حضور نداشت را، به این شرح خواند: «یاران موافق همه از دست شدند / در پای اجل یکان یکان پست شدند (خیام). آشنایی من با استاد علی خسروی به سال ۱۳۵۶ باز می‌گردد؛ زمانی که در واحد گرافیک انتشارات سروش به عنوان خوشنویس مشغول به کار شدم. مدتی گذشت تا با هنرمندان گرافیک، که هر یک سبک و سیاق خاص خود را داشتند، آشنا شدم. در این میان، استاد علی خسروی، دوست عزیز و دیرینه‌ام، شخصیتی متفاوت داشت و این ویژگی را تا پایان عمر حفظ کرد.

او در اتاق کارش، علاوه بر فعالیت‌های گرافیکی، صفحه‌آرایی و طراحی روی جلد کتاب، به طور مداوم به طراحی و کشیدن پرتره از چهره‌های فرهنگی و هنری می‌پرداخت و خستگی ناپذیر برای اعتلای هنر خود تلاش می‌کرد. دست‌نویس‌های او در پرتره‌نگاری همواره مورد توجه بود و در میان آن جمع از هنرمندان گرافیک، تنها او بود که با شور و شیدایی خاصی نقاشی می‌کرد. به جرأت می‌توانم بگویم که در این سال‌ها، یکی از پرکارترین نقاشان معاصر ایران بود، به‌ویژه سیاه‌طرح‌هایی که از نویسندگان، شاعران، هنرمندان و دیگر چهره‌های برجسته خلق کرد. آثاری دیدنی و ماندگار هستند. او به راستی جان و جهان خود را در نقاشی گذاشته بود.

خسروی اهل مهاجرت نبود. هرگاه با هم گفت‌وگو می‌کردیم، تأکید داشت که به زندگی در این سرزمین دلبسته است. این نگاه، مرا به یاد شعری از فریدون مشیری می‌اندازد: «من اینجا ریشه در خاکم...». این شعر، به خوبی ترجمان زندگی او بود؛ هنرمندی که در این سرزمین ماند، ریشه دواند و ثمر داد. او همواره بر این باور بود که هنرمندان می‌توانند چهره‌ی جهان را مهربان‌تر کنند و پیام‌آور صلح، آزادی و مهر باشند.

در اینجا به فرزندان عزیزش، تارا و هومن، و به جامعه هنری، انجمن طراحان گرافیک و نقاشان تسلیت عرض می‌کنم. همچنین جا دارد از دوستان نزدیک او، از جمله ابراهیم حقیقی، امرالله فرهادی، داریوش فرهنگ، جمال طباطبایی، بهرام جلالی و مهندس الماسی که در تمام این سال‌ها همراه او بودند، قدردانی کنم. با اندوهی سنگین و غافلگیرانه از بستر بیماری می‌نویسم که علی خسروی کرمانی، چهره‌ای شاخص از خطه‌ی پربرکت کرمان، ما را سوگوار کرده و برای بدرقه‌اش قدم هم آمده‌ایم. هنوز باور این فقدان دشوار است، اما این رسم دنیای ناپایدار است که می‌آورد و می‌برد و آنچه می‌ماند، یاد و یادگارهاست.



با او، از جمله احمدرضا احمدی، فیروز شافعی و ابراهیم حقیقی، این ارتباطات را زمینه‌ساز دیدارهای گاه به‌گاه میان خود و خسروی دانست. او در ادامه با ابزار تأثر از درگذشت خسروی گفت: از شنیدن خبر فوت او بسیار شکسته شدم، هرچند مرگ، تنها حقیقتی است که همواره تکرار می‌شود و گریزی از آن نیست. جای خالی هنرمندانی که از جهان می‌روند، بخشی از نظم ناگزیر زندگی است؛ امری که اگرچه تعجب‌آور نیست، اما اندوهی عمیق به همراه دارد.

او در پایان با اشاره به جایگاه خسروی در هنر معاصر ایران گفت: اینکه گفته می‌شود جای او در طراحی، گرافیک و تصویرگری معاصر خالی خواهد ماند، شاید در بلندمدت قابل قضاوت باشد، اما می‌دانم که در طول عمر من، این خلأ هرگز پر نخواهد شد.

مهم‌ترین ویژگی خسروی

«بی‌آلایشی» بود

مهدی فیروزان، مدیر عامل شهر کتاب نیز با اشاره به اینکه از اوایل دهه ۶۰ با خسروی رابطه‌ای نزدیک داشته است، با



تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی او اظهار کرد: بسیاری از صفات مانند سخاوت با خلاقیت ممکن است در افراد مختلف وجود داشته باشد، اما آنچه هویت واقعی یک انسان را شکل می‌دهد، کیفیت عمیق‌تر است. مهم‌ترین ویژگی او «بی‌آلایشی» بود؛ حالتی که در برخورد با او هیچ فاصله‌ی احساس نامانی ایجاد نمی‌کرد و نوعی صداقت و خلوص در رفتار او موج می‌زد. فیروزان این ویژگی را چنین توصیف کرد: در مواجهه با خسروی، هیچ‌گونه حسابگری

می‌شنود هیچ کشتی‌ای دیگر در هیچ دریایی برایش باقی نمانده است.

حقیقی در ادامه بیان کرد: حسن من این است که باید از این اندوخته‌ها که هنوز دارم مراقبت کنم. دوستان عزیزم، استادان گرمی‌ام که همچنان در کنارم هستند، این سرمایه‌ها را باید قدر دانست و از آن‌ها مراقبت کرد؛ زیرا هیچ سرمایه‌ای برای من جز این دوستان وجود ندارد. من نمی‌توانم این اندوخته‌ها را رها کنم، باید همچنان در این کشتی و دریا با آنها باشم.

مرگ خسروی ضایعه‌ای

جبران ناپذیر است

پس از او، آیدین آغداشلو، نقاش برجسته کشورمان - با بیان اینکه «گمان می‌کردم دیدارها ادامه‌دار خواهد بود»، از فقدان این هنرمند به عنوان ضایعه‌ای جبران ناپذیر یاد کرد.

او با اشاره به ویژگی‌های هنری خسروی گفت: به نظر من او مهم‌ترین طراح نسل خود بود و با وجود حضور استادان بزرگی در حوزه‌های مختلف، شیوه‌ای که خسروی در طراحی داشت، به‌ویژه در نحوه‌ی پر و خالی گذاشتن فضاها، بی‌نظیر بود.

گروه فرهنگ و هنر؛ زنده‌یاد علی خسروی طراح گرافیک و نقاش برجسته، هفته‌گذشته طی مراسمی با شکوه به میزبانی انجمن گرافیک ایران، و با اشک و آه علاقه‌مندان برای عزیمت به سفر ابدی‌اش بدرقه شد.

در این مراسم اهالی هنر و فرهنگ با حضور پرشمار خود، نشان دادند که او تا چه اندازه در میان اهل خرد و هنر جایگاه ممتازی دارد. برخی از هنرمندان حاضر از هنر و خلق و خو، و غم از دست دادن او با اشک سخن‌ها گفتند و فقدان او را ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر خواندند.

به نقل از ایستا، در مراسم تشییع پیکر علی خسروی، نقاش و گرافیست برجسته‌ی کرمانی، هنرمندان و دوستان او از جمله آیدین آغداشلو، مهدی هاشمی، بهرام کلهرنیا، لیلی گلستان، ابراهیم حقیقی، مهدی فیروزان، آیدین مهدی‌زاده، داریوش فرهنگ، بیژن بیژنی، شهین ترکمن، ایرج اسکندری، فرزاد ادیبی، اکبر نیکان‌پور، محمد بنی‌اسدی، عباس مشهدی‌زاده، یعقوب عمامه‌پیچ، امیر اثباتی، اسدالله امرایی و ... حضور داشتند. این مراسم دوشنبه ۱۴ اردیبهشت در مقابل خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

پدرم همیشه در قلب ما خواهد ماند

در ابتدای این مراسم، تارا دختر زنده‌یاد خسروی در سخنانی گفت: پدرم نه‌تنها یک هنرمند بزرگ، بلکه پدری مهربان، دلسوز و پدربزرگی فداکار برای من و خانواده‌ام بود. او افزود: پدرم همیشه مردی با قلبی بزرگ بود، همیشه با محبت و دست و دل‌بازی در کنار ما بود. او نه‌تنها برای من، بلکه برای فرزندانم نیز پدربزرگ مهربان و دلسوزی بود.

تارا خسروی ادامه داد: پدرم به سوئد می‌آمد و ما در کنار هم ساعت‌ها به قدم زدن می‌پرداختیم و از زیبایی‌های هنر و فرهنگ لذت می‌بردیم. گفت‌وگوهایی که ما داشتیم پر از انرژی و زندگی بود و همیشه بعد از صرف غذا، کنار میز می‌نشستیم و به صحبت ادامه می‌دادیم. او افزود: هنگامی که اولین فرزندم به دنیا آمد، پدرم به سوئد آمد و عاشق قدم زدن با کالسکه‌ی بچه‌ها شد. او همیشه ما را حمایت و کمک می‌کرد. پدرم انسانی خردمند، با دل و نیتی پاک و محبت‌آمیز بود. او همیشه در قلب ما خواهد ماند.

خسروی در تصویرسازی

از پیشگامان بود

در ادامه‌ی مراسم، ابراهیم حقیقی - گرافیست - گفت: شنیده‌اید که بعضی از بازگانان که تمام اندوخته‌های عمرشان را جمع کرده‌اند، یک روز به آنها خبر می‌دهند که کشتی‌هایشان در دریا غرق شده است؟ هفته پیش من چنین حسی داشتم. همزمان با رفتن علی، روز بعدش هم با رفتن محمدرضا بهمین پور، انگار که دو بخش از اندوخته‌های ۵۷ ساله‌ام را از دست داده‌ام. حقیقی با اشاره به سال‌ها همکاری‌اش با خسروی و بهمین پور، اظهار کرد: از همان روزهایی که وارد دانشکده شدیم، علی وارد کار شد. دفتر مرتضی ممیز که برای ما خانه و مدرسه بود، و بعدها در انتشارات سروش، همیشه در کنار ما بود. او نه‌تنها در گرافیک، بلکه در تصویرسازی ایران از پیشگامان و پیشکسوتان بود.

او با یادای از سفرهای مشترک خود با خسروی گفت: ما خیلی سفر کردیم. از خراسان، گیلان، مازندران، آذربایجان، کردستان، خوزستان، هرمزگان، یزد، کرمان و کاشان. زیر این آسمان؛ آسمان ایران، این اندوخته‌ی کمی نیست. این سرمایه‌ای است که به همراه دوستی با محمدرضا و علی، حاصل شد. ما خیلی کار کردیم، کتاب‌های بسیاری تولید کردیم، اما حالا که این دوستان عزیزم را از دست داده‌ام، حسی مشابه همان بازگان را دارم که